

هم از آفتاب گویم

گفت‌وگوی قرآن‌پژوهانه با استاد بهاء‌الدین خرمشاهی (قسمت دوم / پایانی)

به کوشش: سیدمجتبی مجاهدیان و علیرضا کمالی



اشاره:

در شماره ۵۶ نشریه، قسمت اول گفتگوی قرآن‌پژوهانه معارف با قرآن‌شناس برجسته معاصر استاد بهاء‌الدین خرمشاهی تحت عنوان «در سایه آفتاب» تقدیم شما شد. در آن گفت‌وگو با استاد به اصول و معیارهای ترجمه قابل قبول قرآن، چالش‌ها و بایسته‌های اساسی فراروی حوزه «ترجمه پژوهی» قرآن، نقش دانش‌های قرآن‌پژوهی (علوم قرآن) در فهم معارف و تفسیر این کتاب مقدس، نوع نگاه و متد قرآن‌پژوهی مستشرقان و میزان تأثیر گذاری و اثر پذیری آنها بر پژوهش‌های قرآنی مسلمانان، با ذکر مهم‌ترین منابع موجود در هر بخش، پرداخته و در پایان ارزیابی خود را از وضعیت قرآن‌پژوهی جهان تشیع و به ویژه ایران امروز، ارائه فرمودند.

اینک، ضمن تشکر مجدد از همکاری صمیمانه استاد گرانقدر خرمشاهی، واپسین بخش این گفت‌وگو، پیش روی شما خوانندگان فرهیخته نشریه است.

معارف

امان از بی‌پروایی تجدیدگرایان مسلمان در تفسیرهای طبیعت‌گرایانه و علم‌گرایانه از وحی! اینان وقتی وحی را مانند پدیده‌های طبیعی تفسیر می‌کنند و ذهن و زبان و ضمیر و زندگی حضرت رسول (ص) و زمانه و زمینه نزول وحی را در تکوین آن دخیل می‌انگارند، معنای نبوت را هم دگرگون می‌کنند. علمی‌سازی وحی، خواسته، ناخواسته به انکار آن منتهی می‌شود؛ زیرا اگر وحی الهی و از جهان غیب و قدس نباشد، دیگر وحی نخواهد بود.

معارف جناب استاد خرمشاهی! لطفاً درباره «دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی» و اهداف شما در آن اثر توضیحاتی بفرمایید.

از توجهی که به این کتاب دارید، سپاسگزارم. این کتاب هم به مسائل درون قرآنی می‌پردازد، هم برون قرآنی و در عین حال مربوط به قرآن است و به همین زودی یک دهه از انتشار چاپ اول آن گذشته؛ چاپ دوم آن هم کلاً تمام شده و حتی یک نسخه هم از بازار کتاب نمی‌توان تهیه کرد. تجدید چاپ آن هم با این گرانی سرسام‌آور کاغذ، و با توجه به فاصله‌ای که چاپ جدید با دو چاپ پیشین دارد و همه تعرفه‌ها و مواد و مصالح چاپ گران‌تر شده، احتمالاً قیمت کتاب را سه برابر چاپ اول خواهد کرد. این مرجع مانند اغلب مراجع‌ها، چند و چندین سال طول کشید تا برای اهل کتاب و دوستان قرآن معارف قرآنی شناخته شد. امیدوارم صاحب قرآن، خودش فرج و فتوحی در کار فرو بسته ما پدید آورد.

امروزه چندین دانشنامه قرآنی داریم. یکی را مرکز فرهنگ و معارف قرآن در قم تدوین و منتشر می‌کند که اثر ماندگار و ارزشمندی است. امیدوارم فاصله انتشار جلد‌های آن کمتر و در مجموع سرعت کار بیشتر شود. یک اثر هم پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در دست تدوین دارد که بیش از ۵ سال از تأسیس و تدوین آن می‌گذرد. احتمالاً به صورت موضوعی، یا موضوعی - الفبایی خواهد بود. سرپرست آن، مانند «دانشنامه امام علی (ع)» حجت‌الاسلام و المسلمین علی اکبر رشاد است. یک اثر ۲۶ جلدی هم به انگلیسی در هند تدوین و طبع یافته است. انتشارات راتلیج در سال ۲۰۰۶ «دانشنامه قرآن» (یک جلدی به انگلیسی) انتشار داده است. این دانشنامه اثری ارزشمند است و دیدگاه نویسندگان غیرمسلمان آن هم به دیدگاه قرآن‌پژوهان مسلمان (که تعداد آنان هم در این اثر بسیار است). نزدیک است و حتی مقاله وحی را عمدتاً از نظرگاه سنتی اسلامی نوشته‌اند. دانشگاه کیمبریج هم یک مرجع دانشنامه‌وار قرآنی انتشار داده است که هنوز هم به دستم نرسیده، ولی می‌توان امیدوار بود که اثر قابل توجهی است؛ اما پس از این مقدمات کوتاه و لازم، برگردیم به معرفی «دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی». در ابتدا نظر من تألیف اثری کوتاه‌تر بود، به قول انگلیسی‌ها مرجعی سریع‌الجواب و پر مدخل، اما با مقالات کوتاه. سپس که پیش رفتم و جمعی از کوشاترین قرآن‌پژوهان جوان هم از سر عشق به قرآن و معارف قرآنی دعوت مرا پاسخ گفتند، این اثر از یک جلد به دو جلد مفصل دو ستونی با حروفنگاری نسبتاً ریز فرا رفت. در این دانشنامه ذیل هر مقاله نام نویسنده و کتابشناسی جمع و جور آمده و تعداد مقالات ۳۶۰۰ فقره است. اینک برای عرض تشکر از همکاران این اثر نامشان را با رشته تخصص هر یک - یعنی رشته‌ای که در آن زمینه مقاله نوشته‌اند - به ترتیب الفبایی یاد می‌کنم:

۱- آزر، حمید رضا (بلاغت و نحو قرآن و قرآن‌پژوهی و قرآن‌پژوهان مشهد)

۲- انصاری، مسعود (مفاهیم قرآنی، تفسیر و مفسران اهل سنت)

۳- ایازی، حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمحمدعلی (تفسیر و مفسران شیعه)

- ۴- بصیر مزددهی، سامیه (قرآن و ادب فارسی)
 - ۵- جهانبخش، جويا (زندگینامه، بعضی تفسیرها و کتابها)
 - ۶- حاجی میرزایی، فرزاد (معرفی کتابهای قرآنی و علوم قرآنی)
 - ۷- خرمشاهی، بهاء‌الدین (فرهنگ آفرینی قرآن و اغلب زمینه‌ها)
 - ۸- خرمشاهی، قوام‌الدین (اعلام قرآن، معرفی سوره‌ها)
 - ۹- رادفر، دکتر ابوالقاسم (ترجمه و ترجمه‌های قرآن)
 - ۱۰- سرمدی، دکتر محمود (وجه و نظایر، کلمات کلیدی قرآن)
 - ۱۱- سیدعرب، حسن (خاورشناسان قرآن‌پژوه)
 - ۱۲- شهیدی صالحی عبدالحسین (زندگینامه‌ها، بعضی تفسیرها)
 - ۱۳- فعال عراقی، حسین (زندگینامه)
 - ۱۴- مختاری، مهندس سیامک (زندگینامه‌ها)
 - ۱۵- معینی، محسن (مفاهیم قرآنی، آیه‌های عنوان‌دار، زندگینامه‌ها)
 - ۱۶- ناجی، دکتر حامد (اسماء‌الله، فقه قرآن)
 - ۱۷- هاشم زاده، محمدعلی (کتابشناسی موضوعی، که برای نخستین بار در اینگونه مراجع‌ها ظاهر شده است)
- محتویات دانشنامه را هم با ذکر دو - سه مثال از هر مقوله با نهایت اختصار یاد می‌کنم:

۱- اعلام قرآنی، الف) اعلام تاریخی اعم از مثبت مانند یکایک پیامبران الهی یا نیکانی چون لقمان، ذوالقرنین و کسانی که اشاره و تلمیحی به آنها هست مانند خضر، حضرت ابوطالب و حضرت حمزه. نیز زنان، اعم از آنکه اشاره صریح به آنها باشد مانند نساء‌النبی، یا اشاره پوشیده مانند آسیه، هاجر، ساره، و حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (س) یا شخصیت‌های منفی مانند فرعون، قارون، هامان و شخصیت‌های واقعی غیرمادی و فراتاریخی مانند جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان - ذیل عنوان کلی - همچنین اعلام از قصص (غیر از پیامبران) مانند کشتی نوح، جودی، زلیخا، بنیامین. ب) اعلام جغرافیایی، مانند: مدینه و مکه و مدین.

۲- احکام قرآن (فقه القرآن / آیات الاحکام) مانند وضو، تیمم، تهجد.
 ۳- سوره‌های قرآن (همه در یکجا با آوردن لفظ سوره بر سر نام هر یک)
 ۴- آیه‌های نامدار: (آیه نور، آیه الکرسی و نزدیک به یکصد مورد دیگر)
 ۵- اصطلاحات و تلمیحات ادبی، (مانند ناره، ابراهیم، حکمت لقمان)
 ۶- اخلاق قرآنی: اعم از اخلاق حمیده، مانند رحم، احسان، تواضع، و اخلاق رذیله مانند: طمع، بخل، ریا.
 ۷- کلمات کلیدی، یا وجوه و نظایر؛ یعنی شرح کلماتی که به یک لفظ و دارای چند معنی‌اند.

۸- موجودات قدسی یا امور غیبی و قدسی، مانند: آخرت، قیامت، معاد، اعراف، جن، شق‌القرم.

۹- اقوام و طوایف، مانند: مهاجران، انصار، بنی امیه، قریش.

۱۰- ادیان و مذاهب و فرقه‌ها و مکتب‌ها: اسلام، یهودیت، مسیحیت / نصاری، صابئین، شیعه، معتزله، خوارج، ... مکتب تفکیک.

۱۱- وقایع تاریخی، مانند: یکایک غزوات، صلح حدیبیه، افک، محنة.

۱۲- علوم و فنون قرآنی: علم مکی / مدنی، اسباب / شأن نزول، تحریف ناپذیری قرآن، ترجمه قرآن، چاپ قرآن.

۱۳- فرهنگ آفرینی قرآن: شامل مقاله‌ای به همین نام، قرآن و ادب عرب، قرآن و ادب فارسی، شعر معاصر فارسی و قرآن، حافظ و قرآن، مثنوی / مولوی و قرآن ...

وحی اخص از تجربه دینی است؛ هر وحی‌ای تجربه دینی، بلکه اوج آن است، اما عکس آن درست نیست که هر تجربه دینی، وحی باشد، یا به تکوین وحی منتهی شود.

اگر وحی، بشری انگاشته شود، رسالت الهی آورنده آن هم بشری می‌شود و در این صورت هم نبوت و هم کل «ما جاء به النبی» معانی قدسی و ایمانی خود را از دست می‌دهند. دیگر آنکه فرق بین «نبی و متنبی» از میان بر می‌خیزد.

۱۴- قرآن پژوهی: معرفی تحقیقات و آثار و کتب قرآن پژوهی از جمله معرفی حدود ۳۰۰ تفسیر مهم شیعی و متعلق به اهل سنت، کتابشناسی موضوعی قرآنی؛ فی‌المثل کتابشناسی فرهنگی، یا ناسخ و منسوخ، و حتی کتابشناسی کتابشناسی‌های قرآنی...

۱۵- قرآن پژوهان: در رأس همه معرفی چهارده معصوم (ع) خلفای راشدین، صحابه قرآن شناس، و معرفی حدود یک‌هزار تن از قرآن پژوهان در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله قرآن و قرآن پژوهی؛ از جمله بیش از ۲۰۰ زندگینامه خود نوشت، یعنی به قلم خود قرآن پژوهان در معرفی خود و آثار و تحقیقات قرآنی‌شان، که می‌توان گفت سندیت فرهنگی دارد، مانند زندگینامه خودنوشت شادروان آیت الله سیدعلی کمالی دزفولی، یا روانشاد دکتر سیدجلال الدین مجتوبی و بسیاری دیگر.

۱۶- قواعد و عبارات‌های معروف نظیر: القرآن یفسر بعضه بعضاً؛ آیتاکی اعنی و اسمعی یا جاره (که ابن عباس گفته است قرآن به این شیوه نازل شده است) من خوبه به، احرف سبعه، استئنا (گفتن ان شاء الله)، استرجاع (گفتن انالله و انا الیه راجعون) شجره ملعونه در قرآن، قاب قوسین و دهها اصطلاح دیگر.

۱۷- قرآن و هنر: با معرفی بیش از دویست قرآن خطی نفیس (هر یک در مقاله‌ای مستقل)، معرفی قرآن‌های هنری و تاریخی، مانند قرآن عقیق [به خط کوفی تکامل یافته و نقطه و نشانداز، که امروزه برای ما به آسانی قابل خواندن است، اثر استاد بهرام سالکی]، قرآن نگل در کردستان، خط و خوشنویسی قرآن، نرم افزارهای قرآنی، خوشخوانی‌های قرآن، موسیقی و قرآن.

۱۸- نهادهای قرآنی، از جمله معرفی دارالقرآن‌ها، دارالخفاضا، مجالس درس تفسیر قرآن، ناشران قرآنی.

۱۹- بلاغت و نحو قرآن (نظیر فعل، فاعل، مسند و مسندالیه و نکات نحوی و بلاغی قرآن).

امیدوارم خوانندگان فرهیخته این مصاحبه را خسته نکرده باشم! نکته آخر اینکه این اثر نه فقط مرجع اولیه‌ای برای قرآن پژوهان است، بلکه چون زبان و بیانش تخصصی نیست، همه دوستان معارف قرآنی را به کار می‌آید. دعا بفرمایید «نشر دوستان» موفق به تجدید چاپ (چاپ سوم) این اثر بشود.

مخات یکی از مسایل بنیادین در حوزه قرآن پژوهی، تفسیر صحیح «وحی» می‌باشد. همان گونه که مستحضرید در غرب به علل مختلف، نوعاً تفسیری متفاوت از وحی ارائه می‌شود؛ شاید هم در آن فضای معرفتی، گریزی از اینگونه برداشت‌ها نسبت به وحی نباشد، اما متأسفانه برخی پژوهشگران مسلمان نیز به چنین تفاسیری روی می‌آورند و وحی را تجربه دینی، عرفانی و حتی از جنس الهام شاعرانه و مانند آن قلمداد می‌کنند! نظر حضرت‌تعالی در این باره چیست؟

حق با شماست، امان از بی‌پروایی و بی‌محابایی تجددگرایان مسلمان در تفسیرهای طبیعت‌گرایانه و علم‌گرایانه از وحی. اینان وقتی وحی را مانند پدیده‌ای طبیعی تفسیر می‌کنند و ذهن و زبان و ضمیر و زندگی حضرت رسول (ص) و زمانه و زمینه نزول وحی را در تکوین آن دخیل می‌انگارند، معنای نبوت را هم دگرگون می‌کنند. علمی‌سازی وحی، خواسته، ناخواسته به انکار آن منتهی می‌شود؛ زیرا اگر وحی چنانکه در قرآن دهها آیه درباره آن هست، الهی و از جهان غیب و قدس نباشد، دیگر وحی نخواهد بود. زیرا با آن تفسیر فقط این باقی خواهد ماند که العیاذبالله حضرت خودش به خودش وحی بفرستد! آنچه غیبی و قدسی است موضوع ایمان (یا انکار) قرار می‌گیرد،

نه استدلال علمی. از وحی مهم‌تر، وجود باری تعالی است، که اکثر قریب به اتفاق مؤمنان به آن باور قلبی دارند، نه استدلال علمی. اینان از طبیعت که در سراسر قرآن، الهی نگریسته می‌شود، می‌کوشند فرعی الهیات طبیعی (عقل / علمی) بسازند. وحی اخص از تجربه دینی است؛ هر وحی‌ای تجربه دینی، بلکه اوج آن است، اما عکس آن درست نیست که هر تجربه دینی، وحی باشد، یا به تکوین وحی منتهی شود. از سوی دیگر کسانی که قرآن را العیاذبالله فرآورد ذهن و زبان پیامبر (ص) می‌دانند، تفسیرشان چه بسیار تناقض و پیامد منفی دارد. اولین تناقض این است که همین کتاب که آنها اثر طبع و تقرب حضرت رسول (ص) می‌دانند، به بانگ بلند خود می‌گوید که کلام الهی است. یکی از پیامدهای منفی‌اش این است که اگر وحی، بشری انگاشته شود، رسالت الهی آورنده آن هم بشری می‌شود و در این صورت هم نبوت و هم کل «ما جاء به النبی» معانی قدسی و ایمانی خود را آن گونه که در مذهب رسمی یا ارتدوکسی اسلامی هست، از دست می‌دهند. دیگر آن که فرق بین «نبی و متنبی» از میان بر می‌خیزد؛ یعنی هر مدعی دروغین نبوت خود یا پیروانش ادعا می‌کنند

درباره ترجمه قرآن کریم، بهترین پیشنهاد به خوانندگان گرامی «معارف» این است که یک دوره از نشریه ارزشمند «ترجمان وحی» را تهیه فرمایند. این نشریه، در زمینه قرآن پژوهی و مباحث ترجمه قرآن، در جهان اسلام بی نظیر است.

که کمال قرب عرفانی را با خداوند دارد، لذا کلامش وحیانی و وحی می‌شود. این یک فرض نیست، بلکه رویدادهایی تحت همین عنوان در تاریخ مذاهب اسلامی رخ داده، و مذهب با همین ادعای کذب و افراطی از محدوده اسلام و دارالاسلام بیرون رفته‌اند.

آری وحی، توصیف و تعریف دارد، اما تحلیل ناپذیر است. بنده سال‌ها پیش مقاله‌ای تحت همین عنوان «تحلیل ناپذیری وحی» نوشته‌ام که ابتدا در نشریه کیان و سپس در مجموعه‌ای از مقالاتم که «فرصت سبز حیات» نام دارد، تجدید چاپ شده است. مقاله‌ای هم تحت عنوان «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن» که سال‌ها پیش در شماره پنجم نشریه قرآنی «بینات» (۱۳۷۴) چاپ گردیده و البته به صورت نظریه‌ای موقت عرضه شده و در آن صادقانه از قرآن پژوهان صاحب‌نظر درخواست کرده‌ام که نقد و نظریه‌های خود را برای اصلاح و تصحیح آن نظریه موقت و حساس، دریغ نفرمایند. و به لطف خداوند چند تن از خوش‌فکرترین قرآن پژوهان معاصر از جمله استادان مصطفی حسینی طباطبایی، حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی ایازی، و هادی مؤذن جامی، نکات بسیار ارزنده‌ای در نقد آن، در مقاله‌های خود عرضه داشته‌اند که همه در شماره‌های چهارگانه سال ۱۳۷۴ همان نشریه به چاپ رسیده است.

در پاسخ به نظرگاه و تفسیر طبیعت‌گرایانه وحی که استاد گرانمایه و دوست دانشورم جناب آقای دکتر عبدالکریم سروش در طی یک کتاب به نام «بسط تجربه نبوی» و چند مقاله در نشریه «آفتاب» - که مدت‌هاست منتشر نمی‌شود - و اخیراً در سایت / پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان منتشر شده، دو مقاله نوشته‌ام. اولی «پاسخ‌هایی به قرآن‌ستیزان» نام داشت و در روزنامه اطلاعات ۲۸ بهمن ۱۳۸۶ و چند روز پیش از آن در سایت خبرگزاری فارس منتشر شد. دومی مقاله جامع‌تری است و قرار است در نیمه دوم خردادماه جاری (۱۳۸۷) در همان روزنامه در ۲ یا ۳ بخش منتشر گردد. مسائل و نکاتی که در این گفتگو فقط فهرست‌وار اشاره شد، در آن مقاله مبسوط و شاید به نحوی مفتح، بیان شده و از جمله به دو مسئله مهم یکی «ایمان، یعنی ایمان به غیب» و دوم «رفع تعارض احتمالی بین قرآن و علم» است که نزدیک به ۱۰ مورد، یعنی بیش از آنچه آقای سروش در مقاله‌های خود آورده‌اند، رفع شده است. از خوانندگان استدعا دارم به آن مقاله که تا زمان نشر این شماره معارف، در روزنامه اطلاعات چاپ می‌شود، مراجعه فرمایند. البته این چند مقاله قریب‌الموضوع را که همه به مسئله مهم «وحی» ربط دارد در کتاب «قرآن پژوهی» که حکم جلد بعدی یا تکمله کتاب «قرآن پژوهی» را دارد، انشاءالله انتشار خواهیم داد و یا دقیق‌تر اینکه تجدید چاپ خواهیم کرد. این مقاله اخیر / دوم در پاسخ تفسیر دکتر سروش، نامش «طبیعت الهی و الهیات طبیعی» نام دارد. امیدوارم خوانندگان قرآن پژوه شما که شیفته معارف قرآنی و اسلامی هستند، بر طبق نشانی‌هایی که عرض شد، چاپ یا تجدید چاپ این مقاله (ها) را پی بگیرند.

معارف با توجه به گسترش موج ورود متون و اندیشه‌های مغرب زمین به کشور، به نظر شما اولویت ترجمه با کتب کدام حوزه علمی - معرفتی است؟

اگر عنوان را اشتباه نکنم، یکی دو سال پیش، بوستان کتاب قم، کتابخانه کوچکی در معرفی کتاب‌های مهم غربی در زمینه مسائل و مباحث قرآنی که شایسته برای ترجمه‌اند، منتشر کرد. البته مسائل قرآنی، اهمیت اساسی و محوری دارد. سپس ترجمه کتاب‌های در حوزه فلسفه دین، یا دین پژوهی

جدید غربی از جمله آثار پدیدارشناسان دین مانند رودلف اوتو که «مفهوم امر قدسی» ترجمه شده است.

معارف جناب استاد خرمشاهی! اساساً نهضت ترجمه در ایران معاصر چه دستاوردهای مثبت و منفی‌ای دارد؟

بدون شک دستاوردهای مثبت آن بسی بیشتر است. اگر آثاری نامناسب، ترجمه شوند، موج پالاینده انتقادهای علمی و آکادمیک، آن را پس خواهد زد. ترجمه بهترین شکل انتقال فکر و فرهنگ است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ترجمه آثار ایرانی (فارسی یا گاه عربی) به زبان‌های دیگر از جمله انگلیسی، ترکی و عربی روز، بسیار بالا گرفته است. امروزه در کشور ما، هر ساله بیش از بیست هزار کتاب از زبان‌های خارجی (و عمدتاً انگلیسی) به فارسی ترجمه می‌شود. در این میان در حدود یک صدم این آمار تقریبی، آثاری است که به تاریخ اسلام یا سیره نبوی یا فلسفه و کلام اسلامی و تعدادی نیز که در حدود ۲۰ عنوان در سال هست، در باب قرآن کریم است.

می‌توان گفت که در مقایسه با نسل ادبی / فرهنگی پیشین، سطح و الوالی ترجمه، تنزل کرده است؛ زیرا هر کسی به خود اجازه ترجمه هر اثری را می‌دهد. گویی زبان دانستن که تازه معلوم نیست چه عمقی دارد، برای ترجمه اثر کفایت می‌کند. اما اگر از منظری بالاتر نگاه کنیم، علی‌الاصول اینهمه ترجمه که در صد سال اخیر از آثار غربی صورت گرفته، زبان و بیان ما را حتی برای بیان باریک‌ترین مقاصد فلسفی و کلامی بالاتر برده است.

درباره ترجمه قرآن کریم به فارسی یا زبان‌های دیگر، بهترین پیشنهاد به خوانندگان گرامی «معارف» این است که یک دوره از نشریه ارزشمند «ترجمان وحی» را که در شهر مقدس قم منتشر می‌شود، تهیه فرمایند. این نشریه، در زمینه قرآن پژوهی و مباحث ترجمه قرآن، در جهان اسلام بی‌نظیر است.

معارف همانگونه که حضرت تعالی مستحضرید، دو واحد از دروس عمومی دانشجویان، به تفسیر قرآن اختصاص دارد، به نظر شما با توجه به این فرصت محدود، چه مطالب و موضوعاتی در اولویت طرح قرار دارند؟

الف) تقویت کتابشناسی تفسیرها. مرادم این است که دانشجویان لازم است دست کم ۲۰ تفسیر برتر و برجسته‌تر را، از «تفسیر طبری» گرفته تا «تفسیر المیز» و هب زحیلی (که به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی، در چند سال پیش جایزه گرفت یا تقدیر شد) بشناسند. حتما نرم‌افزار معرفی تفسیرها هم وجود دارد. برای تقویت خواندن متون قدیم و عربی تفسیرها، البته اگر سطح عربی‌دانی و عربی‌خوانی دانشجویان خوب باشد، پیشنهاد این است که استاد هر هفته یکی دو آیه برگزیده (و نسبتاً دشوار) را به دانشجویان به شکل تکلیف بدهد که با مراجعه به دست کم ۱۰ تفسیر کهن، خلاصه و چکیده آراء آنان را نقل (و ترجمه) کنند. از آنجا که بنده سابقه آموزشی ندارم، لذا نمی‌توانم پیشنهادهای بکر و بدیعی عرضه بدارم و با آنکه قصدم این بود که به سئوالات ارزشمند شما پاسخ‌های کوتاه عرضه بدارم، باز مانند بخش اول این گفتگو، پاسخ‌ها مفصل شد. مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت / کند در حق درویشان داعی

معارف از حسن نظر و عین عنایت استاد خرمشاهی به ماهنامه معارف و مخاطبان فرهیخته آن، کمال امتنان و سپاس را داریم. البته سئوالاتی دیگر نیز داشتیم که دیگر مجال طرح آنها نماند. تا آینده نزدیک بدرود.

پیشنهادم این است که استاد هر هفته یکی دو آیه برگزیده (و نسبتاً دشوار) را به دانشجویان به شکل تکلیف بدهد که با مراجعه به دست کم ۱۰ تفسیر کهن، خلاصه و چکیده آراء آنان را نقل (و ترجمه) کنند.